

نوشیروان کیهانی زاده

نامزد حزب لیبرتارین در انتخابات رئیس جمهوری آمریکا که در تهران دیپلم دبیرستان گرفته است -

نظر او درباره ایران

«باب بار» که در علم حقوق دکترا و در مطالعات بین‌الملل فوق‌لیسانس دارد، قبلاً دادستان شهر و نیز چهار بار نماینده ایالت جرجیا در مجلس نمایندگان آمریکا بود، نامزد حزب لیبرتارین ایالات متحده در انتخابات نوامبر امسال برای دستیابی به سمت ریاست‌جمهور این فدراسیون است ولی بسیاری هستند که تاکنون

برنامه کار او و نظراتش و حتی ایدئولوژی آن حزب را نشنیده‌اند. چرا؟ برای اینکه کیهانی‌های بزرگ و افراد ثروتمند پولی به حساب تبلیغات آن‌حواله‌ نمی‌کنند و بدون داشتن پول، در ایالات متحده نمی‌توان کاری را انجام داد. «دموکراسی متکی به پول» اینک صدای اعتراض نه‌تنها امریکاییان بلکه جهانیان را بلند کرده است.

قبلاً مردم منبعی چون اینترنت ندانستند که همه وقت و همه جا برای کسب خبر و معلومات در اختیارشان باشد و به رغم گران شدن خواریار و بنزین در امریکا، نه‌ای یک لپ‌تاپ در ژوئیه ۲۰۰۸ به ۳۹۵ دلار کاهش یافته و کارت استفاده از اینترنت حتی «کانکشن ماهواره‌ایی» بسیار ارزان است. از ای میل حتی

امریکاییان به رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های تلویزیونی چنین بر می‌آید که این پار متوجه شده‌اند که انتخابات ریاست‌جمهوری تنها یا دو نامزد تبلیغ‌کنده چیزی شبیه انتخاب دور دوم در سایر کشورهاست و به دور از هدف‌های دموکراسی اصیل که در کتاب‌های درسی خوانده‌بوندند؛ انتخاب بهتر(نه انتخاب آنان که پول بیشتر دارند، برایشان تبلیغ بیشتری می‌شود و کورپوریشن‌های بزرگ بر پایه منافع‌شان مایل به انتخاب آنان هستند، مشابه انتخاب ولیعهد از میان چند پسر سلطان در عهد قدیم). «باب بار» تنها نامزد سوم نیست، برای انتخابات امریکا در نوامبر امسال ده‌ها تن نامزد شده‌اند از جمله «الف نادر» مدافع قدیمی حقوق مصرف‌کنندگان و نامزد حزب سبز، ولی پیش‌رای هدندگان از این موضوع بی‌خبرند؛ زیرا رسانه‌های امریکایی از پیش وابسته به کورپوریشن‌های خارج از حرفه روزنامه‌نگاری شده‌اند. (به عبارت دیگر، دارای ارباب هستند و استقلال کامل ندارند که پایه ژورنالیسم بر استقلال رسانه قرار داده شده است.) «باب بار» حرف‌هایش رازده آن‌هم در یک «تاک شو» به نخبش اخبار. متصدی «تاک شو» به خاطر اصرار اخیر او به محاکمه پارلمانی جرج بوش حتی پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری‌اش خواسته بود استدلال وی را در این زمینه بداند که «بار» از فرصت استفاده کرد و حرف‌های دیگرش را هم زد از جمله مخالفت شدید با احتمال حمله هوایی- موشکی به ایران و گفت این کار باعث انتقام‌گیری فوری ایران از نیروهای امریکایی در عراق و دوستان امریکا در منطقه خلیج فارس و حتی اسرائیل خواهد شد که وسعتی کوچک دارد و نیز وقفه در رسیدن نفت منطقه به بازارهای کشورهای صنعتی؛ به علاوه افتادن بهانه به دست چین و روسیه برای تقویت بنیه نظامی خود و دراز شدن دست کشورهای دیگر به جانب آنها. وی ضمن رد نظرات اوپاما و مک‌کین در مورد کشاندن هرچه بیشتر پای پاکستان به ساهه مبارزه با تروریسم و ایجاد وضعیتی در آن کشور مشابه وضعیت افغانستان گفت، این دو تن شاید ندانند که افغانستان ۱۳ میلیون و پاکستان ۲۸ میلیون پشتون دارد که درافتاد ۲۸ میلیون پشتون (که انگلیسی‌ها با کشیدن خط مرزی «دوران» آنها را از پشتون‌های افغانستان جدا کرده‌اند) کاری آسان نیست. (باید حفظ تمامیت پاکستان را هم در نظر داشت.)

ادامه درصفحه ۱۴

تعاریف بسیاری از جهانی شدن از سوی صاحب‌نظران این حوزه ارائه شده است. عنصر مشترک همه این تعاریف درهم تنیدگی، نزدیکی و به هم پیوستگی اجزای جامعه جهانی است. این درهم تنیدگی و فشردگی اجزای جامعه جهانی به معنای افزایش سریع در خودآگاهی کل جهان نیز است. بنابراین جهانی شدن از یک سو به فشردگی تمام جهان و از دیگر سو به افزایش در آگاهی و بصیرت اجزای جامعه جهانی دلالت دارد. این اتفاق در مراحل متفاوتی همراه با مدیژنته و یکپارچه سازی بازارهای کار و سرمایه و متحد کردن جهان در یک بازار منفرد و آکنده از رقابت و . . . به وقوع پیوسته است. فرآیند جهانی شدن با توسعه و گسترش مقولات مادی و معنوی همراه بوده و بازسازی تولیدات جدید در حوزه‌های مختلف فیزیایی، اجتماعی، فرهنگی و . . . را به دنبال دارد. این تغییرات معنا و مفهوم متفاوتی در عرصه فرهنگ، جامعه و . . . ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد قلمرو فرهنگ یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که بحث‌ها و مناقشه‌های بسیاری را در نتیجه فرآیند جهانی شدن به خود اختصاص داده است. برخی بر این عقیده هستند «همگون‌سازی» فرهنگی و امحای فرهنگ‌های ملی و محلی و سلطه فرهنگ غربی به ویژه فرهنگ امریکایی نتیجه حتمی جهانی شدن است و به این اعتبار از مفهومی تحت عنوان «جهانی‌سازی» که متضمن یک برنامه آگاهانه و از پیش تعیین شده برای غلبه یافتن فرهنگ امریکایی و ساختن یک جهانی یکدست و همگون و فارغ از تفاوت‌های فرهنگی است، یاد می‌کنند. برخی دیگر ضمن رد این ادعا جهانی شدن را فرصتی مناسب برای تقویت فرهنگ‌های محلی و عرضه جهانی تولیدات در حوزه فرهنگ‌های محلی می‌دانند. به اعتقاد این عده از صاحب‌نظران جهانی شدن «همواره متضمن همزمانی و درون‌پیوستگی آن دو پدیده‌ای بوده است که به صورت قراردادی امر جهانی و امر محلی نامیده می‌شوند.» از این حیث اصطلاح «جهان- محلی‌شدن» را به جای مفهوم «جهانی شدن» ترجیح می‌دهند. (رابرتسون، ۲۱۹: ۱۳۸۳)

در این مقاله از این رویه مواجهه ایران در بعد فرهنگی با پدیده جهانی شدن بررسی و تلاش خواهد شد فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از این پدیده در پرتو بحث‌های نظری به بحث گذاشته شود.

جهانی شدن یک فرآیند است، به این معنا که دربرگیرنده یک روایت ثابت و لاینفیر نیست بلکه در رون آن روایت‌ها و پروژه‌های متفاوتی در حال شکل گیری است. از این جهت جهانی شدن هرچند گریزناپذیر است اما یک نقطه شروع و پای پایان حتمی و ازپیش‌تعیین شده ندارد. در واقع جهانی شدن فرصتی برای ایجاد بسترهای مناسب جهت تعامل و همکاری هرچه بیشتر اجزای جامعه جهانی است. بنابراین دولت‌ها، فرهنگ‌ها، سازمان‌های مختلف و . . . می‌توانند در ارائه تعریفی جدید از روابط بین واحدهای جهانی در سطوح پایین‌تر یا حتی در سطح جهانی نقش مهمی ایفا کنند، به علاوه قادرند در پذیرفته شدن و مقبولیت یکی از روایت‌های معارض با روایت‌های کلان تاثیر توجهی داشته باشند. همان‌طور که گفته شد یکی از روایت‌ها در پی جهانی شدن فرهنگ غرب

# جهانی شدن و فرهنگ

محمد امیرنهایی

به ویژه فرهنگ امریکایی و سلطه آن است. کشورهایی که دریابند با سلطه این فرهنگ بهتر می‌توانند به منافع مادی و معنوی خود دسترسی پیدا کنند از چنین روایتی دفاع می‌کنند و قاعدتاً در برنامه ریزی‌های خود نیز این تمایل و حمایت را نشان می‌دهند اما از طرف دیگر کشور‌های مخالف سلطه این روایت در برابر آن مقاومت کرده و در پی اثرگذاری برای پیشبرد مدل‌های جایگزین هستند. بنابراین اساساً جهانی شدن یک فرهنگ خاص (امریکایی) و ایرانی ( . . . ) غیرممکن است. این باور که جهانی شدن در نهایت به معنی امریکایی شدن و مدل‌های جایگزین هستند. بنابراین اساساً فرهنگ امریکایی را برعکس فرهنگ دارای یک شکل خاص نیست که بتوان آن را تسلط فرهنگ امریکایی در جهان است، متضمن چند خطای جدی و اساسی است: ۱- «این دیدگاه فرهنگ امریکایی را مقلوبه‌یی یکپارچه می‌داند.» (استوری، ۳۱۱: ۱۳۸۳) برعکس فرهنگ دارای یک شکل خاص نیست که بتوان آن را به عنوان یک مدل بسیار مشخص به کل دنیا عرضه کرد و در نتیجه تمام دنیا دارای یک هویت واحد شوند. در واقع فرهنگ متشکل از عناصر و طیف‌های بسیار متفاوت و متضاد است، هرچند ممکن است دارای برجسب مشخص امریکایی یا ایرانی باشند. ۲- حتی اگر به چیزی همانند فرهنگ امریکایی به عنوان یک مقوله یکپارچه، روشن و کاملاً یکدست قائل باشیم

«بر اساس شواهد موجود که عملاً اتکارناپذیرند حتی آن پیام‌های فرهنگی که مستقیماً از امریکا نشأت می‌گیرند به اشکالی تفکیک شده دریافت و تفسیر می‌شوند و گروه‌های مختلف «محلی» اطلاعات دریافت‌شده از «مرکز» را به شیوه‌های به غایت گوناگون می‌شوند.» از این حیث اصطلاح «جهان- محلی‌شدن» را به جای مفهوم «جهانی شدن» ترجیح می‌دهند. (رابرتسون، ۲۳۰: ۱۳۸۳)

بنابراین اگر صنایع فرهنگی (موسیقی، سینما و . . .) مک‌دونالد و . . . را به عنوان مولفه‌های فرهنگ

امریکایی بپذیریم، هنگامی‌که به داخل ملل دیگر وارد می‌شوند از اقتصاد سیاسی، تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های خاص آن ملل متاثر می‌شوند. این تاثیرپذیری ساختارهای فرهنگی در درون ملل واردکننده هم از بعد شکلی است و هم از بعد محتوایی، به‌عنوان مثال سینمای ایران دارای اسلوب و پیمای خاص است. سنت عرفانی و انسان‌شناختی ایرانی در قالب صنعت سینما نوعی ژانر فیلمیک ویژه‌یی ایجاد کرده است که با قالب‌های تکنولوژی‌زده و فیوچریستیک و علم‌گرایانه سینمای هیلیوود تفاوت معناداری دارد. یا آنچه تحت عنوان مک‌دونالدی شدن مطرح است در داخل ملل دیگر معنای خاصی به خود می‌گیرد. مثلاً غذای آماده در کشوری مانند هندوستان از نوع غذای آماده هندی است حتی در رستوران‌های مک‌دونالد در امریکا غذای آماده از نوع هندی عرضه می‌شود. ۳- «به اصطلاح مولدان اصلی فرهنگ

جهانی- نظیر سی‌ان‌ان در آتلانتا و هالیوود در لس‌آنجلس- به نحوی فرآینده تولیدات خویش را متناسب با تقاضاهای یک بازار جهانی تفکیک شده طراحی می‌کنند. ۴- نکات بسیاری بومی مورد تاکید فراوان قرار گیرند فرهنگ بومی در مواجهه با فرهنگ جهانی آسیب‌پذیر خواهد شد. به این اعتبار آسیب و تهدید جدی در قلمرو فرهنگی بیش از آنکه ناشی از ورود عناصر فرهنگ خارجی باشد از عدم انعطاف، عدم عقلانیت و . . . فرهنگ بومی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر در صورتی که عناصر فرهنگی یک جامعه و ساختارهای معرفی، سیاسی و . . . آن به شکلی پویا و غیرمتکی به حکومت یا بخشی خاص از جامعه تعریف شود ورود عناصر فرهنگ خارجی نه‌تنها تهدید به حساب نمی‌آید بلکه در زبایی و تحرک فرهنگ بومی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد. جامعه‌یی که خود به صورت مجموعه‌یی پویا و زایا به دنبال نوآوری، نقد و تحلیل و گزینش عناصر فرهنگی باشد عناصر فرهنگی دیگر اجزای جامعه جهانی را باعلاقه‌تر و بدون وابستگی‌های عاطفی می‌تواند مورد ارزیابی قرار دهد و طبعاً پذیرش آنچه با شکلی گزینشی به خویش اختصاص دهند.) (رابرتسون و خندکر ، ۶۴: ۱۳۸۳) از این جهت الزامی که جهانی شدن به عنوان فرصت برای کشورهای در حال توسعه به دنبال دارد تلاش بیشتر برای قابل عرضه‌تر کردن فرهنگ خود و پذیرفتنی‌تر کردن پیام خود برای جامعه

جهانی است. در نتیجه این فرآیند ذهنیت انسان معاصر از دایره‌بسته محل زندگی بیرون رفته و به‌طور نسبی نگاهی جهانی پیدا کرده است. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را محسوس و به‌فرصت‌ها و ظرفیت‌های محلی نمی‌بیند و در ارز بایی امکانات موجود نگاهی فرامحلی دارد. معیار و ملاک ارزیابی جامعه‌از امکانات و فرصت‌ها صرفاً بر اساس فرصت‌های بومی نیست. انسان معاصر که دائم در معرض تولیدات جهانی است ملاک ارزیابی خود را در یک مقایسه جهانی به دست می‌آورد.

حضور عناصر غیرمحلی و غیربومی در بافت فرهنگی اجتماعات محلی می‌تواند منشاء اضطراب‌های فرهنگی شود. این مساله نوعی الزام در تولیدات فرهنگی بر مبنای عقلانیت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر برای اینکه عناصر فرهنگی قابلیت عرضه در سطح جهانی پیدا کنند باید از نوعی عقلانیت برخوردار شوند. این عقلانیت موجب می‌شود عناصر خرافی، غیرعقلانی، نیندیشیده و بعضاً توهین‌آمیز مورد ترجمان قرار نگیرند. تبدیل پیام فرهنگی به یک محصول قابل عرضه در قلمرو جهانی نیازمند نوعی عقلانیت است، به عبارت دیگر تولید و عرضه مقولات و عناصر فرهنگی در جامعه جهانی مستلزم دو اقدام اساسی است: ۱- پالایش درونی عناصر فرهنگی بر اساس عقلانیت و حذف سوبه‌های نیندیشیده

مبتنی بر عادت. ۲- پیام‌سازی و تولید رسانه‌یی. از این طریق عناصر فرهنگ بومی وارد فرهنگ جهانی شده و صدور فرهنگی صورت می‌گیرد. در صورتی که عناصر پالایش‌نشده فرهنگ بومی مورد تاکید فراوان قرار گیرند فرهنگ بومی در مواجهه با فرهنگ جهانی آسیب‌پذیر خواهد شد. به این اعتبار آسیب و تهدید جدی در قلمرو فرهنگی بیش از آنکه ناشی از ورود عناصر فرهنگ خارجی باشد از عدم انعطاف، عدم عقلانیت و . . . فرهنگ بومی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر در صورتی که عناصر فرهنگی یک جامعه و ساختارهای معرفی، سیاسی و . . . آن به شکلی پویا و غیرمتکی به حکومت یا بخشی خاص از جامعه تعریف شود ورود عناصر فرهنگ خارجی نه‌تنها تهدید به حساب نمی‌آید بلکه در زبایی و تحرک فرهنگ بومی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد. جامعه‌یی که خود به صورت مجموعه‌یی پویا و زایا به دنبال نوآوری، نقد و تحلیل و گزینش عناصر فرهنگی باشد عناصر فرهنگی دیگر اجزای جامعه جهانی را باعلاقه‌تر و بدون وابستگی‌های عاطفی می‌تواند مورد ارزیابی قرار دهد و طبعاً پذیرش آنچه با شکلی گزینشی به خویش اختصاص دهند.) (رابرتسون و خندکر ، ۶۴: ۱۳۸۳) از این جهت الزامی که جهانی شدن به عنوان فرصت برای کشورهای در حال توسعه به دنبال دارد تلاش بیشتر برای قابل عرضه‌تر کردن فرهنگ خود و پذیرفتنی‌تر کردن پیام خود برای جامعه

جهانی است. در نتیجه این فرآیند ذهنیت انسان معاصر از دایره‌بسته محل زندگی بیرون رفته و به‌طور نسبی نگاهی جهانی پیدا کرده است. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را محسوس و به‌فرصت‌ها و ظرفیت‌های محلی نمی‌بیند و در ارز بایی امکانات موجود نگاهی فرامحلی دارد. معیار و ملاک ارزیابی جامعه‌از امکانات و فرصت‌ها صرفاً بر اساس فرصت‌های بومی نیست. انسان معاصر که دائم در معرض تولیدات جهانی است ملاک ارزیابی خود را در یک مقایسه جهانی به دست می‌آورد. حضور عناصر غیرمحلی و غیربومی در بافت فرهنگی اجتماعات محلی می‌تواند منشاء اضطراب‌های فرهنگی شود. این مساله نوعی الزام در تولیدات فرهنگی بر مبنای عقلانیت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر برای اینکه عناصر فرهنگی قابلیت عرضه در سطح جهانی پیدا کنند باید از نوعی عقلانیت برخوردار شوند. این عقلانیت موجب می‌شود عناصر خرافی، غیرعقلانی، نیندیشیده و بعضاً توهین‌آمیز مورد ترجمان قرار نگیرند. تبدیل پیام فرهنگی به یک محصول قابل عرضه در قلمرو جهانی نیازمند نوعی عقلانیت است، به عبارت دیگر تولید و عرضه مقولات و عناصر فرهنگی در جامعه جهانی مستلزم دو اقدام اساسی است: ۱- پالایش درونی عناصر فرهنگی بر اساس عقلانیت و حذف سوبه‌های نیندیشیده

### درنگی درباره سخنان پرویز رجبی

محمد صادقی

عصر روز ۲۹ تیر ۱۳۸۷ جشن و همایش تیرگان از سوی گروهی از جوانان فرهنگ‌دوست در انجمن فرهنگی ایران‌زمین (افراز) در فرهنگسرای ورشو برگزار شد. هرچند در این گونه برنامه‌ها انتظار شنیدن سخنان تازه، انتظاری خوش‌باورانه است ولی مجالی است تا به قول معروف دیدارها تازه شود. . . . اما آنچه موجب شد این یادداشت را بنویسم، سخنان هوشمندانه دکتر پرویز رجبی بود. پرویز رجبی یکی از برجسته‌ترین استادان ایرانی است و سال‌هاست در زمینه فرهنگ و تاریخ ایران به پژوهش می‌پردازد و خدمات بزرگ‌اش به رشد فرهنگ و اندیشه در ایران انجامیده است. از آثار وی می‌توان به کتاب‌های ترازوی هزار گنّه، کریم‌خان زند و زمان

او، معماری ایرانی در عصر پهلوی و . . . در زمینه ترجمه‌به کتاب‌هایی همچون از زبان داریوش (هاید ماری کخ)، مارکوپولو در ایران (آلفونس گابریل)، داریوش و ایرانیان (والتر هینش) و . . . اشاره کرد. در جشن تیرگان امسال، از او نیز خواسته شده بود تا در فرهنگسرای ورشو سخن بگوید. او هم در سخنانی متفاوت، نسبت به گسترش نوعی ملی‌گرایی افراطی در میان جوانان ایران، هشدار داد و تاکید بر مهرورزی با تاریخ، سخنان اغراق‌آمیز پیرامون تاریخ ایران را به شدت مورد انتقاد قرار داد. سخنان وی با استقبال و تشویق شرکت‌کنندگان در سالن فرهنگسرای ورشو نیز روبه‌رو شد تا مشخص‌شود مردم حقیقت‌گوی راوح می‌نهند و این واقعیتی است که نباید از آن غفلت کرد. سخنان پرویز رجبی همچون پتکی بر پیکر اندیشه‌های کهنه و ناکارآمد فرود آمد تا پلک‌هایی به کاروان تمدن نوین جهانی غفلت را بکشد، در دوره‌زراهی اندیشه‌های قدیم گرفتار شده‌ایم و تمام خود توان را به کار می‌بندیم تا به دنیا ثابت کنیم روزی بر قله جهان ایستاده‌ایم

و فرهنگ و تمدن‌مان چنین و چنان بوده و این همه تلاش و کوشش پاک در راهی پوک، به جز جاماندن از دنیای نو و عقب‌ماندگی‌های روزافزون چیزی در پی نداشته و نخواهد داشت. نیاز به توضیح و تفصیل ندارد که فرهنگ و تمدن گذشته ما هر اندازه غرورآمیز و خاطره‌انگیز باشد در مقایسه با فرهنگ و تمدن نوین جهانی که خود نتیجه تمدن بشری است، حرف چندانی برای گفتن ندارد و تکیه بر آن بیش از هر چیز نشانه بی‌خبری از دنیایی است که در آن به سر می‌بریم و شاید زمان آن رسیده باشد که به جای متهم کردن دیگران (با به کار بردن عبارات‌هایی کسل‌کننده مانند ایران‌ستیزی که از سوی به اصطلاح ایران‌پرستان به کار برده می‌شود) به بررسی دلایل واقعی عقب‌ماندگی ایران در جهان امروز بپردازیم و جایگاه مطالعات تاریخی را نیز درباره موضوع «توسعه» مشخص کنیم تا مجالی برای طرح اندیشه‌های کهنه باقی نماند. البته نگارنده این نکته را در نظر دارد که باسداشت میراث به جا مانده از روزگاران کهن اقدامی نیکوست اما تکیه بر آن در دنیای امروز و با توجه به دگرگونی‌های شگفت‌انگیز دنیا در چند قرن اخیر، تکیه بر باد است و چندان خردمندانه به نظر نمی‌آید.



**سایر جارو ها**



**مبعث حضرت رسول اکرم (ص) گرامی باد**



**۲۰۰۰ وات**

**جارو برقی بدون پاکت مدل کمپرسور**

**سیستم متراکم نمودن ذرات گرد و غبار**

**۱۰۰٪ بهداشتی و ضد آلرژی**

**ظرفیت جمع آوری ذرات گرد و غبار ۴ برابر بیشتر**

**تکنولوژی ضد باکتری Nano Silver در محفظه خاکروبه (Bio Tank) جهت حذف میکروبها**

**برس های چند منظوره (فرش، پارکت، مبلمان، گوشه پنجره ها، درزها و فضاهای با دسترسی کم)**

**لوله تاشو مدل Elbow برای تمیز کردن زیر مبلمان**

**لوله تلسکوپیی (با قابلیت افزایش طول لوله جارو)**

**فیلتر قابل شستشو HEPA**

**طول سیم برق ۹ متر**

شرکت خدمات گلدیران متفخر به دریافت گواهی نامه رعایت حقوق مصرف‌کننده به‌عنوان تنها شرکت خدماتی سال ۱۳۸۶ درمعرض ایران

**گلدیران** ضمانت خرید شماست

مرکز اطلاع رسانی و خدمات مشتریان گلدیران: خط ویژه ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳ (تهران)